

اصرار به توافق به هر قیمتی

همزمان با جنگ اسرائیل و حماس در غزه که در هفته‌های اخیر به درگیری‌هایی با ایران نیز گسترش یافت، مقام‌های ارشد دولت بایدن قانع شده‌اند که توافق عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان که شامل ارائه تضمین‌های امنیتی از سوی آمریکا به عربستان است، قابل دستیابی است. آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا در سفر اخیر به عربستان سعودی گفت که توافق امنیتی ایالات متحده و عربستان سعودی در مراحل نهایی قرار دارد.

با این وجود، واقعیت این است که آمریکا باید این استراتژی را که علیه منافع آمریکاست و عملی هم به نظر نمی‌رسد، کنار بگذارد. دولت بایدن گزینه آلترناتیوی برای خود تعریف نکرده است. اواخر ماه مارس، رئیس‌جمهور بایدن گفت که «من وارد جزئیات نمی‌شوم اما من با سعودی‌ها کار کرده‌ام، آن‌ها به‌طور کامل آماده شناسایی رسمی اسرائیل هستند.»

به‌ویژه پس از مشارکت ریاض در عملیات پدافندی دفاع از اسرائیل، تعدادی از مقام‌های آمریکایی به ادامه مذاکرات با عربستان برای پیشبرد توافق اصرار کرده‌اند. جزئیات توافق احتمالی شامل ارائه تضمین‌های امنیتی و کمک به برنامه هسته‌ای عربستان در ازای عادی‌سازی روابط با اسرائیل و محدود کردن روابط با چین تغییر زیادی نکرده است. واشنگتن همچنین در حال ارائه امتیازهای بیشتر به اسرائیل برای جلب رضایت سنا جهت تصویب توافق است.

به چند دلیل می‌توان گفت که خروجی این توافق نگران‌کننده است. اول، این اقدام ایالات متحده را بیشتر از پیش درگیر مسائل امنیتی خاورمیانه می‌کند آن هم در حالی که شهروندان آمریکایی خواهان کاهش نقش آفرینی نظامی در خارج از کشور به‌ویژه در خاورمیانه هستند. دوم، این اقدام دادن امتیاز برای انجام گرفتن کاری است که بسیاری معتقدند این دولت خود به آن تمایل داشتند و لازم نبود چنین مشوق‌هایی برای تسهیل توافق اعطا شود.

از طرفی، ایالات متحده با ارائه تضمین‌های امنیتی به ریاض متعهد می‌شود که برای دفاع از عربستان سعودی و اسرائیل سربازان خود را اعزام کند. ارائه چنین تعهدی در منطقه‌ای بی‌ثبات که درگیری‌های زیادی در آن وجود دارد، کار اشتباهی است.

نقش ایران و متحدان منطقه‌ای این کشور در منطقه که در حمله به اسرائیل و پایگاه‌های آمریکا قابل مشاهده است باید بیشتر از پیش زنگ خطر را به صدا در بیاورد. دشمنی ایران با اسرائیل و عربستان ممکن است پای آمریکا را به درگیری‌هایی در خاورمیانه باز کند که در حقیقت هیچ ارتباطی به آمریکا ندارد.

پس زمینه‌مسائل باید برای مقام‌های آمریکایی به‌ویژه در شرایط امروز اهمیت داشته باشد. منطقه خاورمیانه امروز یکی از بی‌ثبات‌ترین وضعیت‌ها را از زمان بهار عربی در اوایل دهه ۲۰۱۰ میلادی تجربه می‌کند. بسیاری از مقام‌های آمریکایی تأیید می‌کنند که از سال ۱۹۷۳ چنین بی‌ثباتی‌ای را به چشم ندیده‌اند. جنگ اسرائیل با حماس و درگیری‌ها با ایران لحظات ترسناکی را برای سیاست خارجی آمریکا و نقش آفرینی‌اش در منطقه پدید می‌آورد.

از طرفی، شریک اصلی آمریکا در منطقه یعنی اسرائیل به‌نظر می‌رسد که به‌طور فزاینده‌ای علاقه خود را به جلوگیری از جنگ‌های گسترده از دست می‌دهد. اقداماتی چون حمله به کنسولگری ایران در دمشق از جمله این اقدامات بود که وضعیت را متفاوت کرد. اسرائیل با زیر پا گذاشتن نرم‌های بدیهی استقلال دولت‌ها و مصونیت نهادهای دیپلماتیک، تنش را تشدید کرد. آن‌ها می‌دانستند که آمریکا مجبور خواهد بود برای جلوگیری از پاسخ ایران اقدام کند.

در چنین وضعیتی اینکه رئیس‌جمهور آمریکا می‌خواهد کشور را درگیر تضمین امنیتی بیشتر کند و به دولت‌هایی نظیر عربستان و اسرائیل قدرت ریسک‌پذیری بالاتری در تصمیم‌گیری‌ها از جمله تصمیم‌گیری‌های خطرناکی که می‌تواند به جنگ منجر شود بدهد.

در حال حاضر، با توجه به جنگ اسرائیل در غزه، که خشم قابل‌توجهی را در میان مردم عرب ایجاد می‌کند، توافق دور از دسترس به نظر می‌رسد. ریاض در حال حاضر با توجه به ترس از بهار عربی دیگر انگیزه عادی‌سازی روابط با اسرائیل را مثل گذشته ندارد.



بنابراین به نظر می‌رسد که شما می‌خواهید در مورد مفاد منشور ناتو مذاکره مجدد کنید. آیا می‌خواهید... نه! من فقط از آنها می‌خواهم که صورت حساب‌های خود را پرداخت کنند. من مجبور نیستم دوباره در مورد آن مذاکره کنم. بایدن باید این کار را بکند. بایدن هم اکنون حق دارد مرزها را ببندد. او به اجازه کنگره نیاز ندارد. ناتو هم همینطور. من نیازی به مذاکره مجدد در مورد شرایط معاهده ندارم. تنها کاری که باید انجام دهم این است که آنها را مجبور کنم قبض‌هایشان را پرداخت کنند. آنها قبض‌های خود را پرداخت نمی‌کنند.

آیا می‌خواهید ۸۰ سال رهبری آمریکا در دفاع از غرب، به‌ویژه اروپا را حفظ کنید، یا می‌خواهید معماری دنیای پس از جنگ را تغییر دهید که ما را در ۸۰ سال گذشته از جنگ جهانی دور نگه داشته است؟

از آنها می‌خواهم صورت حساب‌هایشان را بپردازند. بسیار ساده است. با ناتو مشکلی ندارم. اما فکر نمی‌کنم که اگر ما به مشکلی برخوردیم ناتو به کمک ما بیاید.

واقعا اینطور فکر می‌کنید؟

بله. من همه آنها را می‌شناسم. همه چیز یک طرفه است. حتی اگر پول بدهند. من می‌خواهم آنها پرداخت کنند. اما من معتقدم اگر به ما حمله شود، ناتو دخالت نخواهد کرد. بسیاری از کشورهای عضو ناتو دخالت نخواهند کرد.

آیا به ارائه کمک‌های نظامی و بشردوستانه به اوکراین ادامه می‌دهید؟

من سعی می‌کنم کمک کنم، اما اوکراین باید کمک کند و کار خود را انجام دهد. آنها کار خود را انجام نمی‌دهند. اروپا سهم خود را پرداخت نمی‌کند.

اوکراین می‌گوید که به آمریکا آمد و با شما ملاقات کرد و از قول شما گفت که یک پنی هم به اوکراین نمی‌دهید. آیا او اشتباه گفته است؟

نه! من گفتم نمی‌دهم مگر اینکه اروپا هم سهم مساوی داشته باشد. اروپا باید بپردازد. ما خیلی بیشتر از کشورهای اروپایی پرداخت کرده‌ایم. نسبت به ما خیلی بی‌انصافی شده است و من گفتم اگر اروپا قرار نیست پول بدهد، چرا ما باید پرداخت کنیم؟

بنابراین ممکن است به اوکراین کمک نکنید؟

ببینید، ما در تجارت آسیب می‌بینیم. ما در تجارت صدمه می‌بینیم. اتحادیه اروپا در تجارت با ما بی‌رحمانه رفتار می‌کند. آنها محصولات کشاورزی ما را نمی‌خواهند. آنها ماشین‌های ما را نمی‌خواهند. آنها از ما چیزی نمی‌خرند. مثل یک خیابان یک طرفه است. در مورد ناتو هم همینطور است. آنها با ما بسیار بد رفتار می‌کنند. آنها صورت حساب خود را پرداخت نمی‌کنند. حالا من آمدم و چیزی گفتم و آنها شروع به پرداخت قبوض خود کردند. من یک کار بزرگ برای ناتو انجام دادم.

آقای رئیس‌جمهور! گفتید فقط یک روز، می‌خواهید دیکتاتور باشید. منظورتان چه بود؟

این حرف به طعنه و به‌عنوان شوخی به شان هانتی گفته شد. او گفت: «می‌خواهی دیکتاتور باشی؟» گفتیم: «فقط برای یک روز. می‌خواهم مرز را ببندم. می‌خواهم حفاری کنم.» سپس گفتیم: «بعد از آن، دیگر هرگز نمی‌خواهم دیکتاتور باشم.» این حرف به طعنه گفته شد. شوخی بود و همه این را می‌دانند.

می‌دانید چرا این سوال را پرسیدم؛ شما می‌گویند شوخی کردید اما...

نه! نه! صبر کن. می‌دانی چرا این حرف را زدم. زیرا ما یک احمق نالایق داریم که به همه اجازه می‌دهد وارد کشور ما شوند. ما یک احمق بی‌کفایت داریم که قیمت انرژی را در مدت‌زمان کوتاهی بالا برده است و او اکنون به سراغ بسیاری از سیاست‌های من رفته است. اما فردای انتخابات اگر پیروز شوند دیگر نفی نخواهد بود.

آیا می‌دانید چرا بسیاری از آمریکایی‌ها این ادبیات را اینطور تعبیر می‌کنند؟ چون در یک روز یک دیکتاتور می‌تواند قانون اساسی را تعلیق کند؟ فکر می‌کنم خیلی‌ها این را دوست دارند.

مردم این مسئله را مغایر با مهم‌ترین اصول دموکراتیک ما می‌دانند؟

نه. من فکر می‌کنم مطبوعات چنین تصویری را ایجاد می‌کنند. هر چند این حرف به شوخی گفته شد.

تنها چهار نفر از ۴۴ نفری که آخرین بار در کابینه شما خدمت کردند، در این انتخابات از شما حمایت می‌کنند. همانطور که می‌دانید برخی از آنها گفته‌اند که در این انتخابات از شما حمایت نخواهند کرد.

مثلاً چه کسی؟ خیلی‌ها از من حمایت کرده‌اند. منوچین از من حمایت کرده است!

وزرای سابق شما. مثل وزیر دفاع سابق شما...

خب صبر کن. حتی این هفته منوچین از من حمایت کرد. پمپو از من حمایت کرد. این افرادی که می‌گویند چه کسانی هستند؟ منظور این است که برخی از من حمایت نکردند چون من فکر نمی‌کردم خیلی خوب باشند. ببینید، وقتی بعضی‌ها فکر می‌کنند که شما از آنها خوش‌تان نمی‌آید، مسلم است که نخواهند که شما به قدرت برگردید. من قصد ندارم بسیاری از آن افراد را سر کار برگردانم. من مدیران بزرگی داشتم. آدم‌های بدی هم در کابینه داشتم. وقتی آنها فکر می‌کنند که مورد توجه نیستند و قرار نیست برگردند، بنابراین تمایلی به حمایت کردن هم ندارند.

ادامه از
صفحه
۷



نوادان دونالد ترامپ در پی انتخابات ۲۰۲۰ با هدف اخراج در فرزند تأیید انتخابات و رسمی شدن جمهوری جو بایدن، روز ۶ ژانویه ۲۰۲۱ به ساختمان کنگره حمله کردند/ عکس: AP

باید از شما بپرسم که چرا رای‌دهندگان باید به شما اعتماد کنند وقتی که وزرای سابق شما از شما حمایت نمی‌کنند؟

افراد زیادی از من حمایت کردند.

شما حمایت‌های زیادی دریافت کرده‌اید. من این را رد نمی‌کنم. اما سوالی که باید بپرسم...

افراد زیادی از کابینه‌ام از من حمایت کرده‌اند. باید این را به شما بگویم. من اصلاً حمایت زیادی درخواست نکرده‌ام. اگر با ۹۵ درصد از کسانی که شما می‌گویید تماس بگیرم، اگر یک تماس تلفنی داشته باشم، در عرض دو دقیقه از من حمایت می‌کنند.

سوالی که باید از شما بپرسم این است: چرا رای‌دهندگان باید به شما اعتماد کنند در حالی که بسیاری از افرادی که در دوره اول شما از نزدیک با شما کار کرده‌اند فکر نمی‌کنند که شما باید برای دومین بار به کاخ سفید بروید؟

آنها این کار را نمی‌کنند زیرا من آنها را دوست نداشتم. برخی هستند که من اخراج‌شان کردم. مثل بیل بار. من بیل بار را اخراج کردم. او را نمی‌خواستم. دیگران هم هستند. فکر می‌کردم او کار وحشتناکی انجام داده است. قرار بود او را استیضاح کنند. دموکرات‌ها او را استیضاح می‌کردند. بولتون هم که یک احمق بود. او یک احمق به تمام معنا بود. هر بار که او وارد اتاقی می‌شد، همه فکر می‌کردند که قرار است جنگی راه بیفتد. او یکی از افرادی است که بوش را متقاعد کرد که به خاورمیانه برود و آنجا را ویران کند و در نهایت یک دنیای ویران از خودش به جا گذاشت. چه نتیجه‌ای از این کار گرفت؟ ما خاورمیانه را منهدم کردیم و هیچ‌کس چیزی از آن به دست نیاورد. این آخرش نیست. شما می‌توانید نام تک‌تک افرادی را که در مورد آنها صحبت می‌کنید به من بدهید و برایتان دلیل می‌آورم که چرا به حمایت‌شان نیاز ندارم.

بایدن هیچ عضوی از کابینه‌اش ندارد که علیه‌اش حرف زده باشند...

چون بایدن بسیار متفاوت از من است. او افراد بد را دور خودش جمع کرده است. به‌عنوان مثال، بعد از فاجعه افغانستان او میلی را بر سر کار نگه داشت. میلی باید فوراً اخراج می‌شد. میلی باید به خاطر اظهاراتش درباره چین اخراج می‌شد. اگر او واقعا این اظهارات را بیان کرده باشد، باید گفت که حرف خیلی بدی زده است. می‌دانید، او باید به همین دلیل اخراج می‌شد. خیلی‌ها باید اخراج می‌شدند. من خیلی‌ها را اخراج کردم. تقریباً همه آن افراد توسط من اخراج شدند.

مثلاً به افراد نظامی نگاه کنید. یک جمله گفتم: «ژنرال نامه استعفایت را بده». آنها هم نامه را نوشتند. فکر نمی‌کنم دوباره این کار را انجام دهم. فکر کنم از این به بعد فقط اخراج کنم. میدانی چرا؟ چون وقتی استعفا می‌دهند می‌روند و می‌گویند من خودم کارم را ترک کردم. اما اینطور نبود. من اخراج‌شان

کردم. من ترتیب داعم را دادم. افرادی داشتم که می‌گفتند این کار پنج سال طول می‌کشد. من این کار را در مدت‌زمان بسیار کوتاهی انجام دادم. ما ارتش بزرگی داریم، اگر به ارتش ما نگاه کنید، می‌بینید که من از طرف ارتش، از ژنرال‌های واقعی، نه ژنرال‌های تلویزیونی، حمایت زیادی دارم.

پروژه ۲۵ بنیاد هرنیتیج و هم مجله American Conservative. که از حامیان بزرگ شما هستند، آنها پیشنهاد لغو الحاقیه ۲۲ را داده‌اند که رؤسای جمهور را به دو دوره محدود می‌کند. آنها می‌گویند که اگر دوباره به قدرت برگردید، دو دوره غیرمتوالی خدمت کرده‌اید و اگر اراده عمومی وجود داشته باشد، دلیلی ندارد که نتوانید دور سوم هم رئیس‌جمهور باشید.

نمی‌دانستم آنها این را نوشته‌اند.

آیا قطعاً پس از دوره دوم بازنشسته می‌شوید یا الحاقیه ۲۲ را به چالش می‌کشید؟

خب، بازنشسته می‌شوم.

انجام این کار را در نظر دارید؟

من در نقطه‌ای هستم که فکر می‌کنم این کار را انجام می‌دهم. ریاست‌جمهوری دوهوره است. من در دو انتخابات شرکت کردم. در انتخابات دوم خیلی بهتر از اولی عمل کردم. من میلیون‌ها رای بیشتر گرفتم. با من خیلی ناعادلانه رفتار شد. آنها از کووید برای تقلب استفاده کردند. با من بسیار ناعادلانه رفتار شد. اما نه، من یک ترم خدمت می‌کنم، کار بزرگی انجام خواهم داد. ما دوباره یک کشور بسیار موفق خواهیم داشت.

اما شما لغو الحاقیه را در نظر می‌گیرید؟

و بعد می‌روم.

شما گفتید این کار را در نظر می‌گیرید.

چه چیزی را در نظر می‌گیرم؟

به چالش کشیدن الحاقیه ۲۲.

من چیزی در موردش نمی‌دانم. من طرفدار چالش نیستم. من اصلاً طرفدار چالش نیستم. من قصد دارم چهار سال خدمت کنم و کار بزرگی انجام دهم و می‌خواهم کشورم را به جایگاهش برگردانم. من می‌خواهم کشور را دوباره در مسیر درست قرار دهم. کشور ما در حال سقوط است. ما در حال حاضر یک ملت شکست‌خورده هستیم. ما ملتی در آشوب هستیم.

آقای رئیس‌جمهور، ایران اخیراً برای اولین بار از خاک خود حمله گسترده‌ای را علیه اسرائیل انجام داد.

درست است.

اگر اسرائیل در حمله نظامی به ایران حمایت کند؟
بله، اگر چنین اتفاقی رخ دهد، خیلی‌ها می‌گویند این یک حمله تشریفاتی بود. زیرا آنها به همه اجازه دادند که بدانند چه اتفاقی قرار است بیفتد. اگر اینطور باشد، چیز خوبی است. اما بسیاری می‌گویند که این کار یک حمله بود.